

Effectiveness of Attention Training Technique on the Metacognitions of Adolescent Girls with Trichotillomania Disorder

Reyhane Sheykhan ^{1*} , Fateme Hashemi ¹ , Tooraj Sepahvand ² 

¹ Dept of Psychology, Faculty of Humanity, Islamic Azad University, Arak, Iran

² Dept of Psychology, Faculty of Humanities, Arak University, Arak, Iran

Article Info

Article type:
Research article

Article History:

Received: May. 26, 2024

Received in revised form:
Jul. 22, 2024

Accepted: Jul. 24, 2024

Published Online: Feb. 03, 2025

*** Correspondence to:**

Reyhane Sheykhan
Dept of Psychology, Faculty of
Humanity, Islamic Azad
University, Arak, Iran

Email:
r.sheykhan@iau.ir

A B S T R A C T

Introduction: Trichotillomania disorder (TTM) is associated with significant psychological distress, social impairment, and a higher prevalence rate than expected in relation to myriad psychological factors. Thus, the aim of this study was to investigate the effectiveness of psychological training attention techniques on the metacognitions of teenage girls with hair-cutting obsessions.

Materials & Methods: The present study was a quasi-experimental one that happened in Arak, Iran, in 2024. Twenty girls in the age range of 15 to 18 years with obsessive-compulsive disorder based on the available sampling method by referring to the psychological clinic. The experimental group received eight attention training sessions. The participants in the research completed the trichotillomania and metacognitive beliefs questionnaire before and after the intervention. Data were analyzed using SPSS V.22 and univariate analysis of covariance with a significance level of less than 0.05.

Results: All of the girls in the experimental and control groups were single, between the ages of 15 and 18, and had TTM. There was no statistically significant difference between the groups in terms of age or TTM. However, there was a big difference between the groups on the post-test of cognitive uncertainty, the need to control thoughts, positive beliefs about worry, uncontrollability, and the danger of thought ($P = 0.001$).

Conclusion: Technical training influences positive beliefs about uncontrollability and risk, beliefs about cognitive uncertainty, cognitive self-awareness, and negative beliefs about superstitious thinking, punishment, and responsibility in adolescent girls.

Keywords: Attention Training Technique, Metacognitions, Trichotillomania

How to cite this paper: Sheykhan R, Hashemi F, Sepahvand T. Effectiveness of Attention Training Technique on the Metacognitions of Adolescent Girls with Trichotillomania Disorder. *Journal of Ilam University of Medical Sciences*. 2025;32(6):57-68.

Introduction

Trichotillomania is a psychological disorder with numerous physical, economic, and social consequences (1). It is classified under the "Obsessive-Compulsive and Related Disorders" category in the International Classification of Mental Disorders (2). The prevalence of this disorder is higher among women than men, and untreated cases can lead to severe consequences for individuals' lives and health. Treatment for trichotillomania (TTM) often involves cognitive-behavioral therapy (CBT), but only a small number maintain their recovery over time (5). Metacognitive factors, such as the Self-Regulatory Executive Function (S-REF) model, are also important in treating TTM. The S-REF

model focuses on the Cognitive-Attentional Syndrome (CAS), which is made up of rigid self-focused attention, negative thoughts that happen over and over, keeping an eye on threats, and coping behaviors that stop negative beliefs from being disproved (8). Many biological and psychological treatments for TTM have been tried, but their efficacy is unclear (5). Attention training techniques in metacognitive therapy aim to intervene in CAS by focusing on the importance of becoming aware of attention focus (5). This approach emphasizes that most individuals fail to recognize that their attention is locked onto themselves, thoughts, and emotions, leading to negative feelings and beliefs about the self (5). Thus, the aim of this study was to investigate the effectiveness of psychological training attention



techniques on the metacognitions of teenage girls with hair-cutting obsessions.

Methods

The present study was a quasi-experimental one that happened in Arak, Iran, in 2024. Twenty girls in the age range of 15 to 18 years with obsessive-compulsive disorder based on the available sampling method by referring to the psychological clinic. The experimental group received eight attention training sessions. The participants in the research completed the trichotillomania and metacognitive beliefs questionnaire before and after the intervention. Data were analyzed using SPSS V.22 and univariate analysis of covariance with a significance level of less than 0.05.

Results

All of the girls in the experimental and control groups were single, between the ages of 15 and 18, and had TTM. There was no statistically significant difference between the groups in terms of age or TTM. However, there was a big difference between the groups on the post-test of cognitive uncertainty, the need to control thoughts, positive beliefs about worry, uncontrollability, and the danger of thought ($P = 0.001$).

Conclusion

Technical training influences positive beliefs about uncontrollability and risk, beliefs about cognitive uncertainty, cognitive self-awareness, and negative beliefs about superstitious thinking, punishment, and responsibility in adolescent girls.

Authors' Contribution

Conceptualization, Methodology: Validation, Formal Analysis, Software, Investigation, Resources, Data Curation, Writing—Original Draft Preparation, Writing—Review & Editing, Visualization, Supervision, Project Administration: RS, FH, TS.

Ethical Statement

The study was approved by the Ethics Committee of the Islamic Azad University of Arak (Iran) with ethic code of IR.IAU.ARAK.REC.1402.062.

Conflicts of Interest

The authors declare no conflict of interest.

Funding

This study was conducted without financial support from any other organization or person.

Acknowledgment

The authors thank all of participants and their presence in this research.

اثربخشی تکنیک آموزش توجه بر فراشناخت‌های دختران نوجوان با وسوسات موکنده

ریحانه شیخان^{۱*}، فاطمه هاشمی^۱، تورج سپهوند^۲

^۱ گروه روان‌شناسی و مشاوره، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

^۲ گروه روان‌شناسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

مقدمه: اختلال وسوسات موکنده (TTM) با پریشانی روانی فراوان، آسیب اجتماعی و نرخ شیوعی بالاتر از تصور همراه است. درباره سبب‌شناسی این اختلال علاوه بر عوامل شناختی و رفتاری، توجه به عامل فراشناختی می‌تواند مهم باشد؛ ازین‌رو، در پژوهش حاضر، اثربخشی یک مداخله روان‌شناسی هشت جلسه‌ای- تکنیک آموزش توجه- بر فراشناخت‌های دختران نوجوان با وسوسات موکنی بررسی شد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل بود. تعداد ۲۰ دختر در بازه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال با وسوسات موکنده (با توجه به معیارهای راهنمای تشخیصی آماری اختلالات ویرایش پنجم برای وسوسات موکنی و نمره بالاتر از برش در پرسشنامه وسوسات موکنی) با روش نمونه‌گیری در دسترس، با مراجعه به کلینیک‌های مشاوره و روان‌شناسی شهر اراک در سال ۱۴۰۲ به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. شرکت کنندگان در پژوهش به عنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون، پرسشنامه وسوسات موکنی و باورهای فراشناختی را تکمیل کردند. گروه آزمایش ۸ جلسه آموزش توجه دریافت نمود و گروه کنترل در لیست انتظار باقی ماند. درنهایت، داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار SPSS vol.22 کوواریانس تکمتغیره در سطح $P<0.05$ بررسی شد.

یافته‌های پژوهش: دو گروه آزمایش و کنترل که همگی دختر، مجرد، در بازه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال و مبتلا به وسوسات کنده می‌بودند، از لحاظ میانگین سنی و وسوسات کنده می‌تفاوت آماری معناداری نداشتند؛ اما میانگین گروه‌ها در پس‌آزمون متغیرهای وابسته، یعنی باورهای مثبت درباره نگرانی ($F=126.187$, $P=0.001$), کنترل ناپذیری و خطر افکار ($F=76.806$, $P=0.001$), نبود اطمینان شناختی ($F=145.461$, $P=0.001$), نیاز به کنترل افکار ($F=108.642$, $P=0.001$) و خودآگاهی شناختی ($F=48.972$, $P=0.001$) تفاوت معناداری باهم داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری: از آنجاکه تکنیک آموزش توجه بر باورهای مثبت درباره نگرانی، باورهای منفی درباره کنترل ناپذیری و خطر، باورهایی درباره نبود اطمینان شناختی، خودآگاهی شناختی و باورهای منفی درباره اندیشه خرافی، تنبیه و مسئولیت‌پذیری دختران نوجوان با وسوسات کنده مو تأثیر داشت، این مطالعه پیش مفیدی درباره نقش فرایندهای توجه در درمان اختلال وسوسات کنده مو ارائه می‌دهد که مبنای برای پژوهش‌های آتی فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: تکنیک آموزش توجه، فراشناخت‌ها، وسوسات موکنی

استناد: شیخان ریحانه، هاشمی فاطمه، سپهوند تورج، اثربخشی تکنیک آموزش توجه بر فراشناخت‌های دختران نوجوان با وسوسات موکنده. مجله دانشگاه علوم پزشکی ایلام،

بهمن ۱۴۰۳؛ ۳۲(۶): ۶۸-۵۷.



مقدمه

اختلال وسوس موتکنن (TTM) نوعی اختلال روان‌شناسی است که علی‌رغم داشتن عوارض متعدد جسمانی، اقتصادی و اجتماعی، کمتر تشخیص داده و درمان شده است (۱). اختلال TTM در طبقه‌بندی بین‌المللی اختلالات روانی، با عنوان «اختلالات وسوسی-اجباری و اختلالات مرتبط با آن» مطرح شده است (۲). این اختلال عموماً به یک یا دو جای بدن محدود می‌شود و غالباً فرد موی سر خود را می‌کند (۳) در ویرایش پنجم DSM-5 در سال ۲۰۱۳، اختلال وسوس موتکنن در فصل مربوط به اختلالات وسوس فکری اجباری و مرتبط با اختلال وسوس فکری عملی، اختلال پوست کنی، اختلال بدشکلی بدن و اختلال احتکار گنجانده شد (۴). مطالعات شیوع‌شناسی نشان می‌دهد، حدود ۱ درصد از جمعیت کلی و بیش از ۱۰ درصد از جمعیت دانش‌آموزی به اختلال وسوس موتکنن دچار هستند و این تعداد در میان زنان بیش از مردان است (۵). باید توجه داشت این اختلال در طول سال‌های رشد رخ می‌دهد و می‌تواند به‌طور ویژه‌ای ناتوان‌کننده باشد (۷). این اختلال بلندمدت و مزمن است و شکل درمان‌نشده آن عوارض خطرناکی را برای زندگی و سلامتی افراد در پی دارد (۸)؛ از این‌رو، پرداختن به این اختلال و تلاش برای درمان آن اهمیت دارد.

درباره سبب‌شناسی اختلال وسوس موتکنن مسائل متعددی همچون عوامل ژنتیکی، عوامل محیطی، یادگیری گذشته، نقص مهارت‌های اجتماعی و عوامل شناختی مطرح شده است؛ اما نظریه‌های معاصر بر اهمیت فرایندهای شناختی در تداوم این اختلال تأکید دارند (۹). در نظریه‌های شناختی جدید درباره اختلالات اضطرابی و بهویژه وسوس، سازه‌های فراشناختی جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است (۱۰).

کارل منیستو (۱۹۹۵) تلاش کرد تا یک الگوی چندبعدی و فراگیر درباره این اختلال ارائه دهد. بر اساس الگوی منیستو، هردو عامل درونی و بیرونی در اختلال کنن مودخیل هستند. منیستو معتقد است که عوامل شناختی (باورها

و افکار)، عاطفی (حالات هیجانی افراد)، حرکتی (اعمال فیزیکی)، حسی (دید، لمس و غیره) و عامل محیطی در سبب‌شناسی اختلال موکنن درگیر هستند و با یکدیگر تعامل دارند (۱۱). با این حال، همه بیماران مبتلا به TTM با استفاده از درمان شناختی رفتاری به‌طور کامل بهبود نمی‌یابند و از میان بیمارانی که این کار را انجام می‌دهند، تنها تعداد کمی در طول زمان، بهبودی خود را حفظ می‌کنند (۱۲)؛ از این‌رو، علاوه بر عوامل شناختی و رفتاری، توجه به عامل فراشناختی می‌تواند مهم باشد.

ولز به عنوان بیان‌گذار رویکرد فراشناختی ادعا می‌کند که درمان شناختی رفتاری به چالش با محتواهای افکاری می‌پردازد که خود محصول فرایندهای سطح بالا و پیچیده‌ترند، درحالی که فراشناخت‌ها مسئول کنترل ذهن هستند و فراشناخت به جای چیزی افکار به چگونگی افکار می‌پردازد (۱۳). این الگو شامل دو حیطه از باورهای فراشناختی می‌شود: ۱. باور درباره معنی و اهمیت افکار که باورهای آمیختگی نامیده می‌گردد و ۲. باور درباره کنترل افکار و انجام آینمندی‌ها و به‌تبع آن، معیارهای توقف که متأثر از باورهای آمیختگی است؛ همچنین نتایج مطالعات نشان می‌دهد، رابطه مثبت پایداری میان باورهای فراشناختی، آسیب پذیری هیجانی و طیف وسیعی از اختلالات روان‌شناسی از جمله وسوس وجود دارد (۱۴). از آنجاکه TTM و اختلال پوست کنی در رده اختلالات وسوسی-جبری در راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (ویرایش پنجم) قرار دارد و رفتار کشیدن/ چیدن مکرر از نظر پدیدارشناختی شبیه به رفتارهای اجباری در اختلال وسوس است، تصور می‌شود که این رفتارها ناشی از نبود فرایندهای بازداری است (۱۵). بر اساس الگوی فراشناختی، شناخت‌های افراد درباره پردازش های شناختی‌شان و راهبردهای تنظیم فراشناختی نقش مهمی را در شکل‌گیری و تداوم وسوس‌ها و اجبارها ایفا می‌کنند (۱۶).

در رویکرد فراشناختی، الگوی کارکرد اجرایی خودنظم‌بخش (S-REF) کنترل توجه را به عنوان عامل دخیل مهمی در اختلالات عاطفی می‌داند. الگوی S-REF یک

زیستی و روان‌شناختی استفاده شده است که درباره نتایج آن‌ها اتفاق نظر واحدی وجود ندارد (۱۱). فن آموزش توجه در درمان فراشناختی با هدف مداخله در سندروم شناختی- توجهی استفاده می‌شود. بر اساس الگوی فراشناختی، اضطراب تجربه هیجانی نامطلوبی با نشانه‌ای از وجود انواع تهدیدها یا فقدان است و وقتی افراد با تغییر الگوی توجه و تفکر به آن‌ها پاسخ می‌دهند، مداوم و مسئله‌ساز می‌شود. در این رویکرد مطرح می‌گردد که بیشتر افراد قادر به تشخیص این مسئله نیستند که توجه‌شان بر خودشان، تفکرانش و احساسشان قفل شده است. این فرایند احساس‌ها و باورهای منفی را درباره خود افزایش می‌دهد و تداوم می‌بخشد. متأسفانه معمولاً افراد نسبت به این فرایند آگاهی ندارند و مداخله در آن برایشان دشوار است. در این فن مطرح شده است که آگاه شدن به تمرکز توجه بسیار مهم است و به تقویت کنترل بر توجه منجر می‌گردد (۲۴). با توجه به پیامدهای اجتماعی، روانی و پزشکی این اختلال و توجه به مؤلفه فراشناخت در سبب‌شناسی آن، هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی تکنیک آموزش توجه بر فراشناخت‌های دختران نوجوان با وسوسات موکنی بود.

مواد و روش‌ها

طرح پژوهش حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی، پیش‌آزمون- پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش را دختران در بازه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال (این اختلال در سنین نوجوانی شایع‌تر است (۲۵)، با وسوسات مو کنند ایجاد شد. نمونه پژوهش به روش در دسترس با مراجعته به کلینیک‌های درمانی شهر اراک در سال ۱۴۰۲ انتخاب شد. تعداد ۲۰ نفر (۱۲، ۳۳) که بر اساس DSM-5 با تشخیص روان‌شناس بالینی کلینیک و خط برش پرسش‌نامه وسوسات موکنی (نمره ۱۷ به بالا)، با وسوسات مو کنند تشخیص داده شده بودند، وارد پژوهش گردیدند. شرکت کنندگان به صورت تصادفی، در دو گروه ۱۰ نفره آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش طی ۸ جلسه آموزش تکنیک توجه دریافت کرد و در این مدت، گروه کنترل تحت هیچ مداخله ای قرار نگرفت. به منظور رعایت اخلاق، اعضای گروه کنترل پس از پایان پژوهش آموزش دریافت کردند.

الگوی بد کار کردی از پردازش شناختی موسوم به سندروم شناختی- توجهی (CAS) را مشخص می‌کند که شامل توجه معطوف به خود نامعطف، افکار در جا مانده (نشخوار فکری و نگرانی)، پایش تهدید و رفتارهای مقابله‌ای است که از تأیید نشدن باورهای منفی جلوگیری می‌نماید. اثر CAS تداوم توجه معطوف به خود است که از این طریق آشفتگی‌های روانی باقی می‌ماند. به طور ویژه، مواردی چون نگرانی و پایش تهدید، ظرفیت شناختی و توجهی را کاهش می‌دهند؛ از این‌رو، افراد از توجه به سایر منابع اطلاعاتی که موجب تسهیل باورهای تعديل کننده می‌گردند و مقابله به روش‌های سازگارانه منع می‌شوند (۱۷). اشاره شده است که «توجه معطوف به خود افراطی و نامعطف یک نشانگر بیرونی CAS است» (۱۸).

بدین ترتیب، بر اساس الگوی فراشناختی، در ارتباط با عادت‌های پردازشی ناسازگارانه می‌توان به نامعطف بودن و شدت توجه معطوف به خود اشاره کرد. قابل تصور است که عادت‌های پردازشی ناکارآمد ممکن است با استفاده از تمرین‌های کنترل توجه غیرفعال گرددند و برنامه‌های جدیدی برای پردازش فراهم آیند. این تمرین‌ها تمرکز بر خود را کاهش می‌دهند و کنترل منعطف پردازش را بالا می‌برند (۱۹). در مبتلایان به وسوسات سوگیری توجه وجود دارد (۲۰، ۲۱)؛ برای مثال، پژوهشی نشان داد، مبتلایان به وسوسات مو کنند نسبت به گروه کنترل، از تصاویر مرتبط با مو با مدت زمان طولانی‌تری در مقایسه با تصاویر خنثی جدا می‌شوند (۲۰). در پژوهش دیگری مشخص شد، افراد مبتلا به وسوسات مو کنند به جدا کردن توجه از نشانه‌های مربوط به اختلال (مو) و نشانه‌های تهدید در مرحله آخر پردازش توجه نشان می‌دهند. این نتیجه به طور غیرمستقیم از این نظر حمایت می‌کند که افراد مبتلا در واقع ممکن است کنترل توجه نسبتاً خوبی از خود نشان دهند؛ با این حال، آنان لزوماً از این توانایی به صورت تطبیقی استفاده نمی‌کنند (۲۲). علاوه بر این مشخص شده است، مبتلایان به وسوسات مو کنند فرانگرانی و فراشناخت‌های ناکارآمدی دارند (۲۳).

برای بهبود و درمان TTM، طیفی از درمان‌های

تعداد صدایهای تکلیف کافی باشد. در این روش، دست کم ۶ صدا در ابتدا به کار رفت. این تکنیک بر اساس راهنمای جلسات (۱۹)، دو بار در هفته و طی ۸ جلسه اجرا گردید (به جدول شماره ۱ مراجعه شود). طول جلسات ۳۰ دقیقه بود. جلسه اول ۴۵ دقیقه به طول انجامید.

گروه آزمایش تکنیک آموزش توجه (ATT) را به شکل گروهی دریافت نمودند. درمان شامل سه بخش بود: توجه انتخابی، تغییر توجه و توجه تقسیم شده. آموزش ۱۲ دقیقه بود. از شرکت کنندگان خواسته شد تا بر یک نقطه ثابت تمرين کرند و در طول تمرين بر آن نقطه تمرين کر باقی بمانند. تعداد صدایها می‌توانست متفاوت باشد؛ اما مهم این بود که

جدول شماره ۱. راهنمای جلسات تکنیک آموزش توجه (۱۹)

جلسه	محظوظ
جلسه اول	<p>توضیح مشکل فرد و تأکید بر نقش پردازش معطوف به خود در تداوم مشکل و دشوار بودن کنترل آن ارائه منطق فنون آموزش توجه با استفاده از مطالب و موضوعات مربوط به خود بیمار آشنا کردن بیمار با روش درمان و ایجاد انگیزه در بیمار از طریق توضیح نقش تمرين کر بر خود به صورت نگرانی و خود بازنگری؛ در صورت امکان استفاده از یک آزمایش برای آشنا ساختن بیمار با توجه معطوف به خود ارزیابی اعتبار و مقبولیت فن برای بیمار؛ انجام اقدامات عملی برای افزایش انگیزه بیمار در صورت نیاز اجرای آموزش توجه با هدایت مستقیم درمانگر درجه‌بندی مجدد میزان توجه معطوف به خود و دریافت بازخورد از بیمار مرور برگه خلاصه فنون آموزش توجه با بیمار و تکمیل فهرست صدایها تعیین تکلیف خانگی (افراد آموزش دیدند تا این تکنیک را ۲ بار در روز در خانه در زمانی که مضطرب نیستند، به مدت ۱۰ الی ۱۵ دقیقه تمرين کنند).</p>
جلسه دوم	<p>مرور تکلیف بررسی مشکلات احتمالی در انجام تکلیف تمرين توجه</p> <p>تعیین تکلیف (افراد آموزش دیدند تا این تکنیک را ۲ بار در روز در خانه در زمانی که مضطرب نیستند، به مدت ۱۰ الی ۱۵ دقیقه تمرين کنند).</p>
جلسات بعدی	<p>جلسات بعدی باید با مرور تکلیف خانگی آغاز گردد که در برگه خلاصه فنون آموزش توجه ثبت می‌شود. مشکلات مرتبط با انجام تکلیف خانگی باید بررسی و حل و فصل گردد؛ سپس جلسات با تمرين فنون آموزش توجه با هدایت درمانگر ادامه پیدا می‌کند. درمانگر مسائلی که می‌توانند مغایر با اثربخشی فنون آموزش توجه باشند، مانند درگیر شدن در خودارزیابی، نگرانی و نشخوار فکری و تلاش برای پایش و کنترل تجارت درونی را بررسی می‌کند.</p>

نقطه برش پیشنهادی برای این ابزار در مطالعه ربیعی و همکاران (۱۳۹۳)، نمره ۱۷ است و نمره بالای ۱۷ نشان‌دهنده تشخیص اختلال موکنی است. کیتن و همکاران (۱۹۹۵) روایی محتوایی پرسش‌نامه را مناسب و پایایی را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹، بدست آورده‌اند (۲۶). در ایران، ربیعی و همکاران (۲۰۱۴) روایی از نوع بازآزمایی ۰/۹۷ را گزارش کرده‌اند.

ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

پرسش‌نامه وسوس موكنی: این پرسش‌نامه به منظور ارزیابی رفتارهای موکنی ساخته شده است و ۷ سؤال دارد. سوالات پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت پنج درجه‌ای (بی نهایت: نمره ۴، خیلی زیاد: نمره ۳، زیاد: نمره ۲، کم: نمره ۱، هیچ: نمره ۰) نمره گذاری می‌شود. در نمره کلی پرسش‌نامه، نمره صفر نبود علائم و نمره ۲۸ نهایت آسیب را نشان می‌دهد.

در این پژوهش هیچ اجباری برای شرکت کنندگان وجود نداشت. همه اطلاعات محترمانه خواهد ماند. برای اجرای پژوهش، طرح پژوهش به دانشکده پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک ارائه گردید که در شورای پژوهش مطرح و کد اخلاق - شناسه اخلاق (IR.IAU.ARAK.REC.1402.062)- صادر شد.

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، دو گروه آزمایش و کنترل بررسی و مقایسه شدند. همه شرکت کننده‌های گروه آزمایش (۱۰ نفر) و گروه کنترل (۱۰ نفر) از لحاظ جنسیت، دختر بودند. همه این افراد از نظر تأهلهای محدود و در بازه سنی ۱۵ تا ۱۸ سال و مبتلا به وسوسات کنند مو بودند. با این حال، پیش از بررسی متغیرهای پژوهش و فرضیه‌های مربوط به آنها، آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین سنی و وسوسات کنند مو در دو گروه انجام گردید (جدول شماره ۲).

پرسشنامه باورهای فراشناختی: ولز و کارترايت هاتون نسخه ۳۰ سؤالی این پرسشنامه را در سال ۲۰۰۴ توسط ساختند که پنج خرده‌مقیاس دارد: ۱. باورهای مثبت درباره نگرانی؛ ۲. باورهای منفی درباره کنترل ناپذیری و خطر افکار؛ ۳. باورهایی درباره نبود اطمینان شناختی؛ ۴. نیاز به کنترل افکار؛ ۵. خودآگاهی شناختی. سازندگان آن ضرایب اعتبار به روش آلفای کرونباخ را برای مؤلفه‌ها از ۰/۷۳ تا ۰/۸۷ و به روش آزمون-آزمون مجدد، از ۰/۷۶ تا ۰/۸۹ گزارش کردند (۲۷). پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه گردید.

داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از نرم‌افزار SPSS vol.22 تجزیه و تحلیل شد. با توجه به آزمایشی بودن طرح و فرضیه‌های مطرح شده، روش آماری استفاده شده عبارت بود از آمار توصیفی شامل محاسبه میانگین، انحراف معیار و همچنین در بخش آمار استنباطی، از روش تحلیل کوواریانس یکمتغیره (ANCOVA) استفاده گردید. سطح معنی‌داری برای آزمون فرضیه برابر ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

جدول شماره ۲. مقایسه میانگین سنی و وسوسات کنند موی گروه‌های آزمایش و کنترل

Sig	df	t	انحراف معیار	میانگین	گروه	متغیر
۰/۵۶۹	۱۸	۰/۵۸۰	۱/۲۳	۱۶/۸۰	آزمایش	سن
			۱/۰۸۰	۱۶/۵۰	کنترل	
۰/۷۸۵	۱۸	۰/۱۱۳	۶/۰۸	۲۳/۵۲	آزمایش	وسوسات کنند مو
			۶/۵۵	۲۲/۹۵	کنترل	

شرکت کردن. جدول شماره ۳ نیز شاخص‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) نمرات خرده‌مقیاس‌های فراشناخت دو گروه را در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد.

نتایج جدول شماره ۲ نشان داد که میانگین سنی دو گروه و نیز میانگین وسوسات کنند مو در آنان تفاوت آماری معناداری با یکدیگر نداشت؛ بنابراین، دو گروه با شرایط تقریباً یکسانی از لحاظ سنی و میزان وسوسات کنند مو در پژوهش

جدول شماره ۳. میانگین و انحراف استاندارد نمرات خرده‌مقیاس‌های فراشناخت در دو گروه آزمایش و کنترل در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون

گروه کنترل		گروه آزمایش		شاخص‌های آماری	متغیرها
پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون		
۱۵/۹۰	۱۵/۷۰	۱۲/۳۰	۱۶/۱۰	میانگین	باورهای مثبت درباره نگرانی
۳/۰۷	۲/۳۵	۱/۶۳	۱/۵۲		

۱۵/۱۰	۱۵/۶۰	۱۲/۹۰	۱۶/۴۰	میانگین	کنترل ناپذیری و خطر افکار
۱/۵۹	۱/۷۱	۱/۹۱	۲/۲۲	انحراف استاندارد	
۱۵/۶۰	۱۵/۱۰	۱۱/۰۰	۱۴/۵۰	میانگین	نبوذ اطمینان شناختی
۱/۷۷	۱/۵۹	۱/۶۹	۱/۵۸	انحراف استاندارد	
۱۵/۴۵	۱۵/۴۰	۱۱/۵۰	۱۵/۴۰	میانگین	نیاز به کنترل افکار
۱/۹۵	۲/۳۱	۲/۲۷	۲/۴۱	انحراف استاندارد	
۱۷/۲۰	۱۶/۹۰	۱۳/۸۰	۱۷/۳۰	میانگین	خودآگاهی شناختی
۲/۲۵	۲/۵۱	۲/۰۴	۲/۷۱	انحراف استاندارد	

فراشناخت در سطح $P < 0,05$ معنی دار نیست و فرض همگنی واریانس ها تأیید گردید.

برای بررسی مفروضه طبیعی بودن توزیع نمرات فراشناخت گروه ها در مرحله پس آزمون نیز از آزمون های کولموگروف- اسمیرنوف استفاده شد. نتایج نشان داد، فرض طبیعی بودن توزیع نمره های فراشناخت دو گروه در مرحله پس آزمون برقوار است ($P < 0,05$) و این پیش فرض نیز تأیید گردید. درنهایت، برای بررسی اثر آموزش گروهی تکنیک توجه بر فراشناخت های آزمودنی ها از تحلیل کوواریانس تک متغیره استفاده شد (جدول شماره ۴).

همان طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می شود، میانگین و انحراف استاندارد باورهای مثبت درباره نگرانی، کنترل ناپذیری و خطر افکار، نبوذ اطمینان شناختی، نیاز به کنترل افکار و خودآگاهی شناختی در گروه آزمایش در مرحله پس آزمون تغییر چشمگیری داشت؛ اما در گروه کنترل تغییرات چندانی دیده نمی شود.

پیش از تحلیل داده ها، مفروضه های تحلیل کوواریانس تک متغیره (همگنی واریانس ها و طبیعی بودن داده ها) بررسی گردید. برای بررسی همگنی واریانس متغیرها از آزمون لون استفاده شد. نتایج نشان داد، تفاوت واریانس های گروه آزمایش و گروه کنترل در متغیرهای

جدول شماره ۴. نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیره برای مقایسه فراشناخت های دو گروه آزمایش و کنترل

متغیر	منع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
باورهای مثبت درباره نگرانی	پیش آزمون	۹۷/۹۶۶	۱	۹۷/۹۶۶	۱۵۰/۹۴۹	<0/۰۰۱
	گروه ها	۸۱/۸۹۶	۱	۸۱/۸۹۶	۱۲۶/۱۸۷	<0/۰۰۱
	خطا	۱۱/۰۳۴	۱۷	۰/۶۴۹		
کنترل ناپذیری و خطر افکار	پیش آزمون	۴۷/۱۸۷	۱	۴۷/۱۸۷	۹۳/۰۷۱	<0/۰۰۱
	گروه ها	۳۸/۹۴۱	۱	۳۸/۹۴۱	۷۶/۸۰۶	<0/۰۰۱
	خطا	۸/۶۱۳	۱۷	۰/۵۰۷		
نبوذ اطمینان شناختی	پیش آزمون	۴۵/۴۰۰	۱	۴۵/۴۰۰	۸۵/۸۲۲	<0/۰۰۱
	گروه ها	۷۶/۹۴۹	۱	۷۶/۹۴۹	۱۴۵/۴۶۱	<0/۰۰۱
	خطا	۱۸۹/۲۶۱	۱۷	۰/۵۲۹		
نیاز به کنترل افکار	پیش آزمون	۶۹/۰۰۴	۱	۶۹/۰۰۴	۹۸/۵۷۷	<0/۰۰۱
	گروه ها	۷۶/۰۵۰	۱	۷۶/۰۵۰	۱۰۸/۶۴۲	<0/۰۰۱
	خطا	۱۱/۸۹۶	۱۷	۰/۷۰۰		

خودآگاهی شناختی	پیشآزمون	گروهها	خطا	۱۷	۲۳/۳۴۹	۶۷/۲۳۹	۴۸/۹۷۲	۴۳/۵۹۱	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱

جلوگیری از این امر باید افکار خود را کنترل کنند (۲۳). فراشناخت‌های ناکارآمد درباره «کنترل ناپذیری و خطر افکار» و «نیاز به کنترل افکار» ممکن است رفتار اجباری را افزایش دهد (۲۳)؛ به عبارتی، رفتار کندن مو افزایش می‌یابد؛ بنابراین، آموزش توجه به افراد آموزش می‌دهد تا از کانون تمرکز توجه‌شان آگاه شوند و به آنان در کسب کنترل بر توجه‌شان کمک می‌کند. آموزش توجه با افزایش انعطاف روانی از طریق تقویت و ترمیم سازوکارهای کنترل روانی عمل می‌نماید. بدیهی است که دیگر افکار و تجارب درونی در طول ATT برانگیخته نخواهد شد. این تجارت باید به عنوان داده‌های درونی یا رویدادهای گذران در ذهن و بدن در نظر گرفته شوند و ناید برای درگیری با آن‌ها یا حواس‌پرتی تلاش کرد (۲۴).

این تکنیک با قطع توجه معطوف به خود، خاموشی روال‌های پردازشی ناسازگارانه را تسهیل می‌کند، روال‌هایی که در تداوم آسیب‌پذیری دخیل هستند (۱۹). باید اشاره کرد، آموزش توجه (ATT) فن تمرکز توجه شناوری است که تلاش می‌کند تا ویژگی پردازش متمرکز بر خود مداوم در اختلالات اضطرابی و خلقی را کاهش دهد (۳۱)؛ بنابراین، هدف از آموزش توجه سرکوب یا اجتناب از رویدادهای درونی (برای مثال افکار و احساسات) نیست، بلکه هدف تمرين تمرکز توجه به‌طور منعطف است. در این آموزش تأکید می‌شود که ATT راهبرد حواس‌پرتی برای کاهش آگاهی از رویدادهای درونی نیست. شرکت‌کنندگان از این طریق در توجه انتخابی، تغییر سریع توجه و تقسیم توجه توانمند می‌شوند و درگیر افکار و احساسات مزاحم درونی خود نمی‌گردند. همان‌طور که پژوهشی نشان داد، مبتلایان به وسوس ممکنی باور دارند که برای جلوگیری از افکارشان باید آن‌ها را کنترل کنند؛ به عبارتی، نیاز به کنترل در آنان موجب افزایش فراوانی رفتار مو کنند می‌شود (۲۳).

نتایج این پژوهش درباره باورهای مثبت درباره

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که پس از کنترل آثار پیش‌آزمون، اثر عضویت گروهی بر هریک از متغیرهای وابسته فراشناخت معنادار است. بدین ترتیب، میانگین گروه‌ها در پس آزمون متغیرهای وابسته، یعنی باورهای مثبت درباره نگرانی ($F=126.187$, $P=0.001$), کنترل ناپذیری و خطر افکار ($F=76.806$, $P=0.001$), نبود اطمینان شناختی (آگاهی) ($F=145.461$, $P=0.001$) و خودآگاهی شناختی ($F=108.642$, $P=0.001$) تفاوت معناداری باهم داشتند. با مشاهده میانگین نمرات گروه‌ها در جدول شماره ۲ در هریک از متغیرهای وابسته مشخص می‌شود که آموزش تکنیک توجه در مقایسه با گروه کنترل، تأثیر معناداری بر بهبود فراشناخت گروه آزمایش داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی تکنیک آموزش توجه بر فراشناخت‌های دختران نوجوان با وسوس ممکنی بود. بر اساس نتایج، سطوح معناداری آزمون بیان‌کننده آن بود که میان گروه آزمایش و کنترل در پس‌آزمون، دست‌کم از لحاظ یکی از مؤلفه‌های فراشناخت تفاوت معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داد که میان گروه آزمایش و گروه کنترل در نتیجه تکنیک آموزش توجه درباره کنترل ناپذیری و خطر افکار و نیاز به کنترل افکار تفاوت معناداری ایجاد شده است. این نتایج با نتایج پژوهش هایی همسو بود (۲۳، ۲۸، ۲۹).

در تبیین باید توجه داشت، مبتلایان به وسوس مو کنند فراشناخت‌هایی دارند، شناخت‌هایی در این‌باره که افکاری مانند تنبیه، خرافات و مسئولیت‌پذیری را باید کنترل کرد و در صورت کنترل نکردن، مسئولیت عواقب زیان‌بار آن را بر عهده خواهند داشت. علاوه بر این، مبتلایان فرانگرانی و فراشناخت‌های ناکارآمد منفی دارند و معتقد‌اند، برای

نگرانی، نبود اطمینان شناختی و خودآگاهی شناختی، با پژوهش‌هایی همسو بود (۳۰-۳۳). باید توضیح داد، نگرانی و نشخوار با تداوم الگوهای ناکارآمد توجهی و بازیابی از حافظه مرتبط هستند که موجب ماندگاری ارزیابی تهدید و باورهای منفی می‌گردد (۱۹)؛ به عبارتی، این تمکن بر این منجر شود که به نوبه خود می‌تواند به فعال شدن باورهای فراشناختی منجر و پریشانی منجر گردد که با کاهش منابع عملکرد اجرایی شناختی افراد مرتبط است و کنترل آنان بر رفشارها و احساسات را به چالش می‌کشد (۳۴). ظرفیت توجهی را از این سوگیری‌ها خالی می‌کند؛ زیرا این ظرفیت برای کنترل اجرایی و/یا پردازش اطلاعات جدید و بالقوه ردکننده مورد نیاز است (۱۹). در ادامه باید خاطرنشان کرد، آموزش توجه مبتنی بر هوشیاری فرآگیر به افزایش خودآگاهی شناختی منجر می‌گردد (۳۵). درواقع، خودآگاهی شناختی از طریق آموزش توجه برانگیخته می‌شود. افزایش خودآگاهی شناختی در افراد مستعد وسوسات باعث می‌گردد که الویت به رویدادهای درونی داده شود (۲۴)؛ زیرا معیار ذهنی و درونی بی‌خطر بودن توقف آینین یا فعالیت ذهنی وسوسی را تعیین می‌کند، نه معیار بیرونی (۳۶). بدین ترتیب، آموزش توجه از طریق بهبود خودآگاهی شناختی نیز موجب کاهش وسوسات موکنند شد. این مطالعه محدودیت‌هایی نیز داشت؛ از آن جمله حجم نمونه بود؛ همچنین در این مطالعه پیگیری صورت نگرفت. مطالعات آتی می‌توانند این روش را با سایر گروه‌های سنی تکرار کنند و پیگیری ۳ و ۶ ماهه را مدنظر قرار دهند. علاوه بر این، مطالعات آتی می‌توانند به انواع سبک‌های موکنی نیز توجه کنند که این می‌تواند به طرح ریزی درمانی جامع برای اختلال وسوسات موکنی بینجامد.

سپاس‌گزاری

از افراد شرکت کننده در این پژوهش و همه افرادی که در پیشبرد این مطالعه همکاری لازم را داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

نویسنده‌گان اعلام می‌کنند که هیچ تعارض منافعی در

این مقاله وجود نداشت.

کد اخلاق

برای اجرای پژوهش، طرح پژوهش به دانشکده پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک ارائه گردید که در شورای پژوهش مطرح و کد اخلاق - شناسة اخلاق (IR.IAU.ARACK.REC.1402.062) صادر شد.

حمایت مالی

مطالعه حاضر بدون حمایت مالی سازمان یا شخص دیگر انجام شده است.

مشارکت نویسنده‌گان

تمامی نویسنده‌گان امور مربوط به مقاله و پیگیری‌های آن را بر عهده داشته‌اند.

References

- Duke DC, Keeley ML, Geffken GR, Storch EA. Trichotillomania: a current review. *Clin Psychol Rev* 2010; 30: 181-93. doi: 10.1016/j.cpr.2009.10.008.
- Wong JW, Nguyen TV, Koo JY. Primary psychiatric conditions: dermatitis artefacta, trichotillomania and neurotic excoriations. *Indian J Dermatol* 2013; 58: 44. doi: 10.4103/0019-5154.105287.
- Kaplan V, Sadock B. Synopsis Of Psychiatry. Translated of Ahmad Ahmadipour and Atefe Kamaloo. Tehran: Ebne Sina, 2015. (persian)
- Flaherty DC, Aguilar F, Pradhan B, Grewal H. Rapunzel syndrome due to ingested hair extensions: Surgical and psychiatric considerations. *Int J Surg Case Rep* 2015;17:155-7. doi: 10.1016/j.ijscr.2015.11.009.
- Woods DW, Houghton DC. Diagnosis, evaluation, and management of trichotillomania. *Psychiatr Clin North Am* 2014; 37:301-17. doi:10.1016/j.psc.2014.05.005.
- Franklin ME, Zagrabbe K, Benavides KLB. Trichotillomania And Its Treatment: A Review And Recommendations. *Expert Rev Neurother* 2011; 11: 1165- 74. doi: 10.1586/ern.11.93.
- Begotka AM, Woods DW, Wetterneck CT. The relationship between experiential avoidance and the severity of trichotillomania in a nonreferred sample. *J Behav Ther Exp Psychiatry* 2004; 35: 17-24. doi: 10.1016/j.jbtep.2004.02.001.
- Gawlowska-Sawosz M, Wolski M, Kaminski A, et al. Trichotillomania and Trichophagia Diagnosis, Treatment Prevention. *Psychiatr* 2016; 50: 127- 43. doi: 10.12740/pp/59513.
- Hofmann SG. Perception of control over anxiety mediates the relation between catastrophic thinking and social anxiety in social phobia. *Behav Res Ther* 2005;43: 885-95. doi.org/10.1016/j.brat.2004.07.002.
- Fisher PL, Wells A. Metacognitive therapy for obsessive-compulsive disorder: A case series. *J Behav Ther Exp Psychiatry* 2008; 39: 117-32. doi: 10.1016/j.jbtep.2006.12.001.
- Sulkowski ML, Mancil TL, Jordan C, Reid A, Chakoff E, Storch EA. Validation of a classification system of obsessive-compulsive spectrum disorder symptoms in a non-clinical sample. *Psychiatr Res* 2011; 188:65-70. doi: 10.1016/j.psychres.2011.01.015.
- Shareh H. A Preliminary Investigation of Metacognitive Therapy and Habit Reversal as a Treatment for Trichotillomania. *Behav Cogn Psychother* 2018;46:1-20. doi:10.1017/S1352465817000546.
- Fisher PL. Metacognitive therapy. In book: *Handbook of cognitive behavioral therapy: Overview and approaches* (Vol. 1). pp.617-36. doi:10.1037/0000218-021.
- Aghaei F, Alimoradi Dokhi R, Mokhtari Zararani S. Anticipation of obsessive-compulsive symptoms based on metacognitive beliefs and thought control strategies in the non-clinical population. *JR_SPE* 2016; 3: 135-126. (Persian)
- Wells A, Cartwright-Hatton S. A short form of the metacognitions questionnaire: properties of the MCQ-30. *Behav Res Ther* 2004; 42: 385-96. doi: 10.1016/s0005-7967(03)00147-5.
- Yoruk P, Tosun A. Metacognitive model of obsessive compulsive disorder. *Curr Appr Psychiatry* 2015; 7:190-207. doi: 10.14744/dajpns.2022.00189.
- McEvoy PM, Perini SJ. Cognitive behavioral group therapy for social phobia with or without attention training: A controlled trial. *J Anxiety Disord* 2009; 23: 519-28. doi: 10.1016/j.janxdis.2008.10.008.
- Wells A. The Attention Training Technique: Theory, Effects, and a Metacognitive Hypothesis on Auditory Hallucinations. *JBCP* 2007; 14, 134-8. doi:10.1016/j.cbpra.2006.01.010.
- Wells A. Metacognitive Therapy for Anxiety and Depression. Tras Mohammadkhani M. Tehran, Iran: Varayedanesh; 2009. (Persian).
- Maas J, Keijsers GPJ, Rinck M, Becker ES. Approach-avoidance, attentional and evaluation biases in hair pulling disorder and their relationship with symptom severity. *Cogn Psychol* 2018; 30: 743-53. doi:10.1080/20445911.2018.1503278.
- Stevenson, Judith L. An investigation of attitudes and attentional biases in trichotillomania. PhD thesis, University of Glasgow, 2018.
- Lee, Han-Joo et al. Facilitated attentional disengagement from hair-related cues among individuals diagnosed with trichotillomania: An investigation based on the exogenous cueing paradigm. *JOCRD* 2012; 1:8-15. doi: 10.1016/J.JOCRD.2011.11.005.
- Demirci H, Pirdogan Aydin E, Guler Kenar J, Akil Ozer O, Karamustafalioglu KO. metacognitive functions of patients with trichotillomania and skin picking disorder. *Psychiatr Neurol Sci* 2022; 35: 165- 73. doi:10.14744/dajpns.2022.00189.
- Wells A. Emotional disorders and metacognition: Innovative cog the: wiley. 2000.
- Bruce TO, Barwick LW, Wright HH. Diagnosis And Management Of Trichotillomania In Children And

- Adolescents. *Paediatr Drugs* 2005;7: 365-76.
doi: 10.2165/00148581-200507060-00005.
26. Rabiei M, Nikfarjam M, Movasegh M, Goldooz N. The Effectiveness Of Metacognitive-Cognitive-Behavioral Intervention On Severity Of The Symptoms Of Hair Pulling Disorder. *IJBS* 2014; 7: 373-8. (Persian).
 27. Salarifar MH. Metacognitive, Inhibiting Or Facilitating Anxiety And Academic Self-Regulation. Unpublished Doctoral Thesis, Shahid Beheshti University.
 28. Colthorpe K, Sharifirad T, Ainscough L, Anderson S, Zimbardi K. Prompting undergraduate students' metacognition of learning:implementing 'meta-learning'assessment tasks in the biomedical sciences. *Assess Eval High Educ* 2018; 43: 272-85.
doi:10.1080/02602938.2017.1334872
 29. Hagen K, Solem S, Opstad HB, Hansen B, & Hagen R. (2017). The role of metacognition and obsessive-compulsive symptoms in psychosis: an analogue study. *BMC psychiatry*, 17(1), 233. doi: 10.1186/s12888-017-1392-1
 30. Gharayeli Z, Saberi H .Relationship between Metacognition and Delusional Beliefs with Obsessive-Compulsive Symptoms. *J Behav Clin Psychol* 2020;14:17-26. (Persian)
 31. Watson C, Purdon C. Attention Training in the Reduction and Reappraisal of Intrusive Thoughts Chris Watson and Christine Purdon. *Behav Cogn Psychother* 2008;36:61-70.
doi:10.1017/s1352465807003773.
 32. Hashemi z. Comparison of the Effectiveness of Attention Training Techniques and Mental Immunization Training in Anxiety and Worry of Adolescents. *Educ Strategy Med Sci* 2020;13:240- 9. (Persian)
 33. Sheykhan R, Mohammadkhani Sh, Hasanabadi HR. Self-Focused Attention in Treatment of Social Anxiety:A Controlled Clinical Trial. *J Mazand Univ Med Sci* 2013; 23: 120-8 (Persian).
 34. Andel SA, Pindek S, Spector PE, Crowe RP, Cash RE, Panchal A. Adding fuel to the fire: The exacerbating effects of calling intensity on the relationship between emotionally disturbing work and employee health. *J Occup Health Psychol* 2022; 27: 488-502.
doi: 10.1037/ocp0000331.
 35. Teasdale JD, Moore RG, Pope M, Williams S, Segal ZV. Metacognitive awareness and prevention of relapse in depression empirical evidence. *J Consult Clin Psychol* 2002; 70: 275-87. doi:10.1037/0022-006x.70.2.275.
 36. Clark DA. Cognitive-behavioral therapy for OCD. New York: The Guilford Press 2004.